

به رنگ باران

www.ketab.ir

شاعر: عیسی کیانی



به رنگ باران

سرشناسه: کیانی عیسی ۱۳۸۶-

عنوان و نام پدیدآور: یعربک باران / شاعر عیسی کیانی.

مشخصات نشر: تهران: نسل روشن، ۱۴۰۰.

مشخصات ظاهری: ۳۴ ص.

شابک: ۹۷۸-۶۲۲-۲۴۷-۸۷۱-۱

وضعیت فهرست نویسی: فیبا

موضوع: شعر فارسی-- قرن ۱۴

Persian poetry -- 20th century

رده بندی کنگره: PIR۸۳۵۸

رده بندی دیویی: ۸۷۱/۶۲

شماره کتابشناسی ملی: ۸۷۰۴۳۰۰

اطلاعات رکورد کتابشناسی: فیبا

شاعر: عیسی کیانی | گرافیک: علیرضا زمانی | نوبت چاپ: اول، ۱۴۰۰

| ناشر: نسل روشن | تیراژ: ۱۰۰ نسخه | قیمت: ۳۵,۰۰۰ تومان |

شابک: ۹۷۸-۶۲۲-۲۴۷-۸۷۱-۱

نشانی: تهران- خیابان انقلاب- خیابان دانشگاه-

خیابان شهید نظری- پلاک ۶۱ طبقه چهارم واحد ۴۴B

تلفن تماس: ۶۶۹۵۳۱۲۶- ۲۱.

www.nasleroshan.com

مقدمه‌ی شاعر:

هیچ وقت قرار نبود اینقدر راحت و به این سادگی قلم به دست بگیرم، دستانم به شعر آلوده شوند و کمی بعد به جرم «شاعری» مدت مدیدی در دالان تنهایی زندانی شوم. ولی حالا که دیگر من مجرم شناخته می‌شوم، دوست دارم از این پس همیشه مجرم بمانم. یک مجرم که راه فرار از زندان را بلد است ولی ترجیح می‌دهد همیشه در زندان و پشت میله‌های رهایی بماند!

و خیلی خرسندم که می‌توانم اولین مجموعه‌ی شعر خود را با نام «به رنگ باران» منتشر کنم. بیست و سه شعر در قالب غزل، با محتوای عاشقانه و به سبک نوکلاسیک. بیست و سه عددی‌ست که خیلی دوستش دارم و برایم همیشه یادآور یک خاطره است، خاطره‌ای که هرگز فراموشم نخواهد شد. یادم هست روزی از من پرسیده بودی: «تو شاعر غزل‌های همیشه عاشقانه‌ای؟» و بعد من در جوابت گفته بودم: «نه! من شاعر نیستم؛ شاعر فقط چشم‌های

توست وگرنه دستان من که فقط مشق شعر می‌کنند.» اگر سوال برایتان پیش آمده که بیست و سه چه ارتباطی با خاطره‌ی مذکور دارد، باید بگویم همه چیز را که نمی‌توانم برای شما شرح دهم! پس بهتر است ناگفته بماند. مهم این است که حالا دیگر یاد گرفته‌ام چگونه باید شاعر باشم و چگونه از دریای چشم‌هایت دلبری کنم. می‌خواهم شاعر باشم و همیشه از تو بنویسم و از تو بسرایم. گرچه من هرگز لیاقت تو را نداشته‌ام ولی تو همیشه لیاقت شعرهای من را داشته‌ای و داری. لیاقت این را داری که همیشه مخاطب غزل‌هایم باشی. طراوت شعرهایم به پاس همه‌ی شب‌هایی که با چشمان اشک‌آلود به خواب رفته‌ام، همه برای تو، برای بویی که همیشه خیالت با من است و حتی فکر نبودنت هم دیوانه‌ام می‌کند.

و در پایان از «انتشارات نسل روشن» و از همه‌ی کسانی که مرا در تهیه‌ی این کتاب یاری کرده‌اند صمیمانه سپاس‌گزارم. تقدیم به همه‌ی دوست‌داران شعر، تقدیم به کسانی که شعر را عاشقانه دوست دارند و عاشقانه می‌خوانند و شعر بخشی از زندگی‌شان است. ممنونم که در زمانه‌ی شعرهای آبکی «غزل» می‌خوانید.

با عشق و احترام فراوان، عیسی کیانی، پاییز ۱۴۰۰.



فهرست

۲۲	مقدمه‌ی شاعر: «انسان نیستم»	۱
۲۳	«نگار»	۱۱
۲۴	«دچار باید بود»	۱۲
۲۵	«باز باران با ترانه»	۱۳
۲۶	«سال‌ها»	۱۴
۲۷	«کوچه، خیابان»	۱۵
۲۸	«ره‌ایم کن برو»	۱۶
۲۹	«شب‌های قرار»	۱۷
۳۰	«هق‌هق»	۱۸
۳۱	«گل پژمرده»	۱۹
۳۲	«تنهای تنهاییان»	۲۰
۳۳	«عاشقمی؟»	۲۱
	«عاشق نرم از تو»	
	«شاعر»	
	«داغ هجران»	
	«چه دل‌تنگ تو بودم»	
	«نگاهم که می‌کنی»	
	«کلبه‌ی احزان»	
	«شوق دیدار»	
	«چشم‌گریان»	
	«که می‌میرم بدون تو»	
	«وقتی که نیستی»	